



در سایه سکوت، در روشنائی خدمت

در سوگ کامبیز آتابای

در روزگاری که نامها در هیاهو گم می شوند، برخی چهره ها بی صدا می درخشند. کامبیز آتابای، یکی از آن نامها بود. در جوانی مدیری توانمند و پخته؛ اما بی ادعا، مؤثر و بی هیاهو؛ اما ماندگار.

او در ساختار شاهنشاهی پیشین، از جمله مدیران ارشد و سزاوار بود. کسی که اگر "انقلاب" نمی شد، شاید روزی به مقام نخست وزیری می رسید. اما تقدیر، مسیر دیگری را رقم زد. آتابای، به جای تریبون و شعار، به کار و برنامه ریزی دل سپرده بود. کمتر سخن می گفت، بیشتر می ساخت. کمتر دیده می شد، بیشتر می افزود.

در دوران ریاستش بر فدراسیون فوتبال ایران، تیم ملی به اوج رسید. قهرمانیهای پیاپی در آسیا، صعود به جام جهانی، و بنیانگذاری لیگ تخت جمشید، همه در سکوت کارآمدی او شکل گرفت. او نه تنها مدیر بود، بلکه معمار افتخار نیز بود.

او از خانواده ای ترکمن در گنبد کاووس برخاست، اما نگاهش فراتر از مرزها بود. در انگلستان و آمریکا آموزش دید، و با دانش نظامی و مدیریتی به ایران بازگشت. در دفتر شهبانوی گرانقدر ایرانزمین؛ فرح پهلوی، نه تنها مدیر فنی بود، بلکه مشاور فرهنگی و انسانی نیز شمرده می شد. پس از انقلاب، در کنار شهبانو در نیویورک ماند، بی آنکه از آرمانهایش فاصله بگیرد.

شهبانو در پیامشان او را "دوستی گرانقدر" خواندند، نه صرفاً رئیس دفتر. این جمله، گواهیست بر پیوندی فراتر از وظیفه. آتابای، در تمام سالهای دوری، همچنان دل در گرو ایران داشت. نه در مصاحبه ها، نه در سخنرانی ها، بلکه در سکوتی پرمغز، ایران را در دل و کارش حفظ کرد.

در ۸۶ سالگی چشم از جهان فرو بست. اما راهش، یادش، و منشاش، در دلهای ما زنده است. او از آن دسته انسان هایی بود که بی آنکه فریاد بزنند، تاریخ را دگرگون می کنند.

در سوگ او، نه تنها اشک می ریزیم، بلکه پیمان می بندیم:

که راه خدمت بی ادعا را ادامه دهیم،

که افتخار را در سکوت بسازیم،

و که ایران را، با مهر و خرد، پاس بداریم.

انجمن پادشاهی خوانان پیشرو

نشانی ای میل:

padeshahi1339@hotmail.com

نشانی اینستاگرام:

[@padeshahi.khahan.pishro](https://www.instagram.com/padeshahi.khahan.pishro)